

شیوه های حفظ عفاف در ارتباطات اجتماعی زن و مرد

زهرآ آژفنداک^۱

چکیده

این تحقیق با هدف بررسی شیوه های حفظ عفاف در ارتباطات اجتماعی زن و مرد انجام شده است و در آن تلاش گردیده است تا به این سؤال پاسخ داده شود که بررسی شیوه های حفظ عفاف چه تأثیری می تواند در ارتباطات زن و مرد از نظر اجتماعی داشته باشد؟

تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی است و روش به کار رفته در این مطالعه کتابخانه ای، داده ها متناسب با اهداف و سوالات تحقیق با استفاده از ابزار فیش جمع آوری و در تحصیل داده از روش محتوا استفاده شده است. از مهمترین نتایج این مطالعه می توان به مطالب زیر اشاره کرد:

عفاف به عنوان یک فرهنگ، روش و منش مسلمانان را تبیین می کند و به آنها چگونه بودن و چگونه زیستن را آموزش می دهد. هر جامعه ای دارای فرهنگ معین و با اهدافی از پیش تعریف شده می باشد فرهنگی که در قرآن به جوامع اسلامی عرضه می کند.

کلیدواژه: حفظ، عفاف، ارتباطات، اجتماعی، زن و مرد

^۱. طلبه پایه پنجم مدرسه فاطمه الزهرا (س) بندر ترکمن، azfandak1400@gmail.com

اگرچه زن و مرد در جوهره و ماهیت انسانیت یکسانند و تمایزی در حقیقت و نوع آنها نیست. ولی تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند که به ویژگی‌های جسمانی و روانی آنها باز می‌گردد به گونه‌ای که تفاوت طبیعی و تکوینی میان زن و مرد مطلبی غیر قابل انکار است. دین اسلام با حضور زن در جامعه مخالف نمی‌باشد. اما برای حضور زن در جامعه شرایطی بر اساس ویژگی‌های طبیعی زن (جسمی، روحی و...) و نوع کشش و ارتباطی که میان مرد و زن وجود دارد معین کرده است.

در عرصه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و علمی و فعالیت‌های گوناگون زن مسلمان مانند مرد مسلمان حق دارد آنچه که اقتضای زمان است آن خلأیی را که احساس می‌کند. آن وظیفه‌ای را که بر دوش خود حس می‌کند، انجام دهد. چنانچه دختری پایبند مثلاً مایل است پزشک شود یا فعالیت اقتصادی کند یا در رشته علمی کار کند یا در دانشگاه تدریس کند یا در کارهای سیاسی وارد شود، برای او میدان باز است به شرط رعایت عفت و عدم اختلاط و امتزاج زن و مرد در جامعه اسلامی میدان برای مرد و زن باز است. شاهد بر این معنا، همه آثار اسلامی است که در این زمینه‌ها وجود دارد. و همه تکالیف اسلامی است که زن و مرد را به طور یکسان از مسئولیت اجتماعی برخوردار می‌کند.

۱. مفهوم شناسی عفاف

۱-۱- عفاف در لغت: کتاب «العین» عفت را اینگونه معنا کرده، عفت خودداری از چیزی است که حلال نباشد. (فراهیدی، ۱۴۰۵ق: ۹۲/۱)

ابن منظور در تعریف واژه عفاف می‌گوید: خودداری از عمل یا سخنی که حلال و نیکو نیست. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۵۳/۹) راغب اصفهانی می‌گوید: عفت حالت درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۷۳)

۱-۲- مفهوم اصطلاحی عفاف

شهید مطهری عفاف را اینگونه تعریف می‌کند: عفاف و پاکدامنی یک حالت نفسانی است، یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان، تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن، شره نداشتن. (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۵۲)

عفت در حقیقت کنترل شهوت است و شهوت در لغت یک مفهوم عام دارد که هر گونه خواهش نفس و میل و رغبت به لذات مادی را شامل می‌شود و یک مفهوم خاص هم دارد که همان شهوت جنسی است بنابراین عفت نیز دو مفهوم دارد:

یک مفهوم عام که عبارت است از خویش‌تنداری در برابر هرگونه تمایل افراطی و نفسانی و مفهوم خاص آن خودداری از تمایلات افراطی جنسی است.

۲. عفاف فضیلتی برای مرد و زن

ممکن است به ذهن بیاید که آیا عفاف به جنسیت خاصی اختصاص دارد؟ یا اینکه چرا در اسلام همیشه نسبت به عفاف زنان توصیه شده و از عفاف مردان سخنی به میان نیامده یا کمتر بر آن تأکید شده است. آیا این تبعیض بین دو جنس نیست؟ در پاسخ باید گفت: تأمل در معنای لغوی و اصطلاحی عفاف حاکی از آن است که عفاف حالت درونی است که انسان را از گناه و حرام باز می‌دارد و این امر اختصاص به جنس زن ندارد بلکه هم برای زن و هم برای مرد یک فضیلت محسوب می‌شود. اما عفاف زن و مرد تا حدودی با هم متفاوت است و این تفاوت دلیل بر تبعیض نیست. چرا که خیلی از صفات زن و مرد با هم متفاوت است و با توجه به تفاوت‌هایی که بین این دو جنس وجود دارد هر یک اقتضای برخی صفات و خصلت می‌کند و البته خیلی از صفات هم بین آنها مشترک و یک شکل است.

اما برای اینکه بدانیم تفاوت عفاف زن و مرد چیست و دلیل آن چه چیزی است که باید به تعریف عفاف برگردیم چنانچه قبلاً بیان شد عفاف یک معنای عام دارد و یک و یک معنای خاص. در اصل عفاف تفاوتی در دو جنس نیست. اما در مسیر مصادیق آن تفاوت‌های اندکی وجود دارد، قرآن کریم در معرفی مسئله عفاف هم از مردان تمثیل می‌آورد و هم از زنان؛ هم یوسف (ع) مبتلا می‌شود و با عفاف نجات می‌یابد و هم مریم (ع). اگر در قرآن به زنان دستور «غض بصر» و «حفظ فرج» داده شده: «و قل للمؤمنات يغضضن من ابصارهن و يحفظن فروجهن» (نور: ۳۱) قبل از آن دستور را برای مردان صادر کرده است: «و قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم» (نور: ۳۰) اگر نمایان کردن زینت و آرایش زن برای غیر مرد خود گناه شمرده شده «و لا يبدین زینتهن الا ما منها» (نور: ۳۱) مرد به کلی از برخی آرایش‌ها و زینتها منع شده است، عفاف در گفتار و عفاف در بعد مادی هم که اصلاً ارتباطی به جنسیت ندارد و بحثی در آن نیست، کسی هم ادعا نکرده که در این زمینه اسلام بین زن و مرد تفاوت قائل شده است.

از چهار آیه قرآن ماده «عفاف» در آنها به کار رفته، سه مورد دستور عفاف عام و شامل زن و مرد می‌شود و فقط در یک آیه خطاب مخصوص جنس مونث است. «القواعد من النساء التي لا يرجون نکاحاً فليس عليهن جناحٌ ان يضعن ثيابهن غير متبرجات بزينة و ان يستغفن خير لهن و الله سمیع علیم» (نور: ۶۰) بنابراین چنان که می‌بینیم در بسیاری از موارد دستور عفت برای زن و مرد یکسان است. اما در مورد تأکید اسلام به رعایت آن از جانب یک جنس بوده که یکی از این موارد، حجاب و پوشش

زن نسبت به مرد مؤکد و شدیدتر است. مورد دیگری که برای زنان تأکید شده، پرهیز از عشو و ناز در سخن گفتن و راه رفتن است. « یا نساءَ النَّبِیِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِیْ فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا » (احزاب: ۳۲)

گرچه در این آیه زنان پیامبر مورد خطاب قرار گرفته‌اند ولی دستور عام است و شامل تمام زنان مسلمان می‌شود. چنانکه علامه طباطبایی می‌فرماید: در این امور بین همسران پیامبر و سایر زنان مشترک است و جمله «لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ» تأکیدی است برای همسران پیامبر (ص). (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/۴۶۱)

و در تفسیر اطبیب البیان آمده است: در خطاب به زن های پیغمبر است ولی تکلیف تمام زن هاست غایه الامر از آنها توقع بیشتر است. چون علاوه بر اینکه حجت بر آنها عام تر است، اهانت و اذیت پیغمبر (ص) است. (طب، ۱۳۷۸: ۱۰/۴۹۹)

اگر می‌بینیم وظیفه پوشش به زن اختصاص یافته یا به او بیشتر از مردان تأکید شده بدین جهت است که زن مظهر جمال و زیبایی است و مرد شیفته جمال اوست. بنابراین تمایل مرد به چشم چرانی است و تمایل زن به خودنمایی و به تبع آن دستور پوشش و امتناع از عشو و ناز و تبرج برای زن صادر و دستور پرهیز از چشم چرانی گرچه برای هر دو صادر شده، اما در منابع اسلامی در مورد مرد به مراتب بیشتر تأکید شده است. به هر حال چون دستور عفاف مطابق با وضعیت طبیعی زن و مرد و برخاسته از واقعیت‌های وجودی آنهاست، تبعیض محسوب نمی‌شود. بلکه این تفاوت ها به صلاح بشریت و لازم بقاء نسل او است.

۳. عفاف اجتماعی و ابعاد آن

در تعریف عفاف گفتیم که عفاف یک حالت درونی و نفسانی است که مصادیق و نشانه هایی دارد. آنچه در اینجا از آن بحث می‌کنیم در حقیقت همان مصادیق و نموده‌های عفاف هستند که بر ۳ شاخه اصلی قابل تقسیم بندی است:

۱- عفاف در نگاه ۲- عفاف در پوشش ۳- عفاف در گفتار

۱-۳- عفاف در نگاه

چنانکه گفتیم عفاف کنترل کننده تمایلات فطری انسان است. یکی از تمایلاتی که به طور فطری در انسان وجود دارد گرایش به جنس مخالف است. از این رو در اسلام تأکید فراوانی در مورد کنترل نگاه شده است. از امام علی (ع) روایت داریم (چشم راهبر پیام رسان) اول است. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۶۰)

خداوند در آیات حجاب قبل از اینکه دستور حجاب و پوشش بدهد به عفت در نگاه توصیه نموده و به مردان و زنان مومن دستور می‌دهد که از نگاه حرام پرهیزند. «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم..... و قل للمؤمنات یغضن من ابصارهن» (نور: ۳۰-۳۱)

علماء تفاسیر متفاوتی درباره «غض بصر» در این دو آیه دارند. اما در مجموع با توجه به دستوری که بعد از «غض بصر» آمده یعنی «یحفظوا فروجهن» منظور از «غض بصر» در اینجا پرهیز از نگاه به مواضعی است که پوشش آن واجب است. یعنی در زنان تمام بدن به جز صورت و دو دست و دو پا از میج به پایین و در مرد از زیر ناف تا بالای زانو. (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۴۲۷)

از معصومین (ع) رسیده از جمله آن: پیامبر اکرم (ص) «آن کس که چشمان را از حرام پر کند خداوند در روز قیامت چشمهایش را از میخ های آتشین پر خواهد کرد و آنگاه درونش را آکنده از آتش می کند تا مردم از گورها بر آیند و سپس او را به آتش افکند.» (محدث نوری، ۱۴۰۸ ق: ۲۶۸/۱۴)

حاصل بحث آن که از آنجا که عامل اصلی و اولیه بسیاری از انحرافات، نگاه حرام است؛ خداوند در سوره نور آیات ۳۰ و ۳۱ اولین دستوری که در زمینه عفاف می دهد، حفظ نگاه و پرهیز از چشم چرانی است.

به خاطر اهمیت فوق العاده این موضوع در روایات معصومان (ع) احادیث مختلفی هم در مدح و تشویق کسانی که در نگاه خود عفت را دارند و هم ذم چشم چران بیان شده است.

۳-۲- عفاف در پوشش

یکی از مصادیق عفاف مسئله حجاب و پوشش است. نفس انسان به او امر می کند که زیبایی های جسمی خود را نمایان کند تا بیشتر مورد توجه دیگران باشد و این مسئله در مورد زنان که مظهر زیبایی و جمال هستند و از طرفی ذاتاً دوست دارند که زیبایی هایشان را نمایان کنند بیشتر مطرح است. عفاف در پوشش در حقیقت کنترل نفس در این بعد است یعنی عفاف باعث می شود که انسان در نمایان کردن زیبایی های خود پا را از حد فراتر نهد. از این رو همانگونه که اسلام بر حضور اجتماعی تأکید می ورزد این حضور را بدون قید و شرط رها نمی کند زیرا لغزشگاه بودن و زمینه فساد درست کردن، اختلاط و امتزاج امری غیر قابل انکار است. بدین سان اگر برای این حضور ضرورتی را قائل باشیم تحفظ، تستر و مرزبندی دقیق نیز ضروری خواهد بود اینک به این شرایط می پردازیم:

۳-۲-۱- پرهیز از خودنمایی

او برنامه وسیع استعمار بوده است. این مسئله نیز جای تحلیل گسترده اجتماعی و تاریخی دارد که باید بدان به گونه‌ای جدی رسیدگی شود.

۴-۳- راههای مبارزه با آن

الف) احیای امر به معروف و نهی از منکر

یکی از ویژگی‌های برجسته انسانهای با ایمان برپا داشتن و گسترش خوبی‌ها و بازداشتن دیگران از زشتی‌ها و پلیدی‌هاست. امر به معروف یعنی تلاش برای تحقق عملی ارزش‌های الهی. این ویژگی بزرگترین وجه تمایز امر به معروف و نهی از منکر از تبلیغ و پیام‌رسانی است زیرا در تبلیغ عملی صورت نمی‌گیرد و تنها پیام حق به گوش مخاطبان می‌رسد. قرآن کریم امت اسلامی را بهترین امت می‌داند. زیرا آنان امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و برای گسترش خوبی‌ها و نفی زشتی‌ها می‌کوشند امر به معروف و نهی از منکر چنانچه با اصول و ضوابطی که قرآن کریم تبیین کرده است اجرا شود می‌تواند آرمان‌های اسلام را دست‌یافتنی کند. اگر نظام اسلامی محور برنامه توسعه را گسترش نیکی‌ها و فضیلت‌های انسانی و الهی قرار دهد. و برای آن تلاش کند این جهت‌گیری آثار خود را در سیاست‌ها و برنامه‌ها بر جا خواهد گذاشت و توسعه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی حول محور ارزشهای دینی شکل خواهد گرفت. در امر به معروف و نهی از منکر مسئله مهم آن است که امر و نهی کنندگان باید معتقد و عامل به چیزهایی باشند که بدان‌ها امر می‌کنند.

نکته دیگر در تحقق صحیح امر به معروف و نهی از منکر نرمی در انجام امر به معروف و نهی از منکر است برای بیشتر مخاطبان و مردمی که قصد لجاجت و تقابل با ارزش‌های دینی ندارند باید رفتار منطقی و با نرمی و ملاحظت در دستور کار نظام اسلامی قرار گیرد و کسانی که در رفتارهای ظاهری دینی مشکل دارند همچون کسانی بپندارند که به پرورش و تربیت نیاز دارند. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۷: ۲۰۲/۱)

امام علی (ع) می‌فرماید: سزاوار است که اهل تقوا بر اهل معصیت و گناه ترحم کنند و با رحمت با آنان برخورد کنند و با رفتار شایسته آنان را درمان کنند و آمران امر به معروف و ناهیان نهی از منکر باید همچون طبیبان دلسوز بیماران مبتلا به بی‌عفتی و ناپارسایی را درمان کنند و به آنان با دیده رحمت و لطف و هدایت بنگرند و نه دیده دشمنی. (سید رضی، بی‌تا، خطبه ۱۳۸)

تألیف کتابهای مفید

تألیف کتابهای مفید و مورد احتیاج جوانان با نظر به مسائل روز و سبک نوین می‌تواند کارآمد و سازنده باشد همانگونه که مرحوم شهید مطهری در جبهه فرهنگی برای دفاع از فرهنگ اصیل اسلامی به چنین کاری دست می‌زد. زمانی که اسلام را مخالف حقوق زن می‌دانستند بر مسائلی مانند مهر، ازدواج موقت، حق طلاق و تعدد زوجات و..... اشکال می‌کردند و آن را هماهنگ با مقتضیات زمان نمی‌دانستند ایشان کتاب نظام حقوق زن در اسلام را نوشتند. آنگاه که عده‌ای برای رسیدن به اهداف حیوانی خویش عفت، حیا و حجاب را مانع آزادی و فعالیت‌های زن می‌دانستند و جاهلان منکر ضرورت حجاب از نظر قرآن می‌شوند ایشان کتاب مسئله حجاب را تألیف کردند. زمانی که عده‌ای از روشنفکران مسلمان در تبیین جهان بینی اسلام تحت تأثیر بعضی مکاتب را افراط پیمودند ایشان کتاب مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلام را به رشته تحریر در آوردند و سپس یکی از راه‌های ارشاد و راهنمایی قشر جوان تألیف کتاب‌ها و مقالات سازنده و مفید است. (موسسه جهانی سبطین، ۱۳۸۶: ۱۹۰)

عفاف در آموزه های اسلامی از جایگاه بسیار والایی برخوردار است و همواره از آن به عنوان قوی ترین نیروی تعدیل غرایز و شهوات انسانی یاد می شود. آنچه که تاکنون از مفهوم واژه «عفاف» به ذهن متبادر می شود و بر آن اساس تعالیم اخلاقی مذهبی شکل گرفته است. استعمال این واژه در معنای خاص «حجاب» می باشد که این طریق استعمال از قبیل استعمال کل در جزء قرآن است. باید دانست معنا و مفهوم عفاف بسیار فراتر و گسترده تر از حصر آن در معنای پوشش و حجاب است. چنان که اشاره شد عفاف، حالتی نفسانی و فطری است که انسان را از حرام باز می دارد. اختصاص به جنسیت خاصی ندارد و نمودهای گوناگونی دارد؛ در حالی که حجاب امری ظاهری و بیرونی است از ابعاد مختلف عفاف می توان عفاف در کردار، گفتار و اندیشه را باز شمرد. چشم پوشی از نگاه حرام، پوشش مناسب، اعتدال در زینت آرایش، میانه روی در خوراک و عفت در فقر و غنا از ابعاد مختلف عفاف در کردار بوده و پرهیز از کلام لغو و اندیشه حرام، عفت در گفتار و اندیشه را تشکیل می دهد. در هر حال باید دانست رعایت عفاف می تواند تعیین کننده ترین نقش را در حفظ مسیر اعتدال انسانی ایفا کند و آدمی را به کمال و سعادت حقیقی خویش نایل گرداند.

فهرست منابع

*قرآن

*نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد، ۱۴۱۴، «لسان العرب»، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۹.
۲. اسماعیلی، رفیع الدین، مهدیان، حقیفه، ۱۳۹۳، «ویژگی ها و معیارهای عفاف و حیای شخصیت زن در جامعه اسلامی»، بی جا.
۳. پاک نژاد، ۱۳۶۱، «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر»، تهران، کتاب فروشی اسلامی، ج ۲۰.
۴. پسندیده، عباس، ۱۳۸۳، «پژوهش در فرهنگ»، قم، دارالحديث.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، «غررالحکم و دررالکلم»، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۶. جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۳، «تفسیر نمونه»، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۷.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، بی تا، «وسائل الشیعه»، ج ۲۰.
۸. در رهنمودهای رهبر انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، «شخصیت و حقوق زنان»، تهران، موسسه فرهنگی قدر ولایت.
۹. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، «مفردات الفاظ القرآن»، قم، انتشارات ذوی القربا، ج ۲.
۱۰. سید قطب، ۱۳۸۵، «فی ضلال القرآن»، لبنان، دار الحیاء التراث العربی، ج ۵.
۱۱. شفیعی سروسستانی، ابراهیم، ۱۳۸۷، «حجاب مسئولیت ها و اختیارات دولت اسلام»، قم، پژوهشکده علوم و فرهنگ اسلامی، ج ۱.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، «المیزان»، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ج ۱۶.

۱۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، ۱۴۰۹، «التبیان فی تفسیر القرآن»، به تحقیق احمد حبیب، قم، چاپ بیروت مکتب اعلام اسلامی.
۱۴. طیب، سید عبد الحسین، ۱۳۷۸، «در اطبیب البیان فی تفسیر القرآن»، تهران، انتشارات اسلام، چاپ ۲، ج ۱۰.
۱۵. فتاحی زاده، فتحیه، ۱۳۷۳، «حجاب از دیدگاه قرآن و سنت»، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۶. فراهیدی، خلیل ابن احمد، ۱۴۰۵، «کتاب العین»، قم، دارالهجره، ج ۱.
۱۷. کشیری، ام لایلا، ۱۳۹۷، «عوامل موثر بر خودنمایی زنان، دختران در عصر حاضر»، گرگان، انتشارات نوروزی.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، بی تا، «اصول کافی»، ج ۵.
۱۹. گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۳، «آنچه زنان و دختران درباره حجاب باید بدانند»، قم، دفتر مشاور و رئیس سازمان در امور جوانان.
۲۰. محدث نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸، «مستدرک الوسائل»، قم، انتشارات موسسه آل البیت، ج ۱۴.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۰، «جامی از زلال کوثر»، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم.
۲۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، «تعلیم و تربیت در اسلام»، تهران، انتشارات صدرا، ج ۲۳.
۲۳. موسسه جهانی سبطین (ع)، ۱۳۸۶، «حجاب حریم پاکی ها»، قم، موسسه جهانی سبطین (ع).